

شخصیت زن در سینمای پاکستان و مقایسه تطبیقی آن

با سنت‌های عرفی و اسلامی

محمد اسلم*

چکیده

بررسی شخصیت زن به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام خانواده در جامعه پاکستان، و باز نمایی نقش آن در سینمایی این کشور حائز اهمیت است. نگارنده این شخصیت را از دو نگاه، مورد ارزیابی قرار داده است یکی نگاه هنرنمایی در سینما و دیگری نگاه سنت عرفی و اسلامی پاکستان. اکنون چندین دهه می‌گذرد زنان و دختران در جامعه پاکستان هنر نمایی و ایفای نقش می‌کنند نقشی که دامن افراط و تفریط افتاده است، سینما گران غربی به خاطر بدست آوردن اقتصاد کلان از زن بعنوان ابزار در آمد استفاده می‌کنند هرچند اعتراضات مردمی را به دنبال داشته است ولی جواب گو نیستند چونکه حکومت با سینما گران همراهی می‌کنند. امر باعث شد که این مسئله به صورت علمی و مستند به نگار لذ ضرورت اقتضا می‌کند این مسئله روشمند مورد تفحص و بررسی قرار گیرد روش که در این پژوهش اتخاذ شده است اسنادی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شخصیت زن، سینما، پاکستان، سنت‌های عرفی - اسلامی.

* کارشناسی ارشد، رشته دین و رسانه

سینما مجموعه‌ای از تصویر، متن، صدا را شامل می‌شود که بر دو بخش سخت و افزاری و نرم افزاری قابل تقسیم می‌باشد. در اجرای بر نامه اگر درست و مثبت عمل نماید و برنامه‌ای را به اجرا در بیاورد در این صورت فرهنگ ساز خواهد بود و اگر در جهت منفی عمل نماید در چنین شرایط از سنت های عرفی و اسلامی اصیل فاصله خواهد گرفت. نظیر سینمای پاکستان که در جهت منفی در حرکت هستند و بر نامه‌های را که مغیر ارزشهای دینی ارزشهای بومی یک ملت است ترویج می‌دهند. اسلام با اصل هنر هیچ مخالفتی ندارد، مخالفت در جایی صورت می‌گیرد که هنر از خطوط قرمز عبور نماید و ارزش های اصیل اسلامی یک کشور را زیر سؤال ببرد در این مورد قطعاً مخالفت بدنبال خواهد داشت.

پیشینه پژوهش

پیشکسوتان عرصه علم و هنر در زمینه‌های مختلف شخصیت زن، و بازنمای هنر و نقش آن را در حوزه سینما، از زوایای مختلفی نگاه داشته و آثار و منابع زیادی برای نسل بعدی بر جا گذاشته اند. براساس بررسی‌های انجام شده تاکنون هیچ پژوهشی مستقل و جامع در این موضوع صورت نگرفته است. نگارنده می‌توان ادعا نماید این پژوهش با تمام کاستی‌های که دارد اولین تحقیق علمی، جامع و فراگیر در این حوزه به شمار می‌آید.

شخصیت زن

شخصیت زن را از دو بُعد می‌توان بررسی نمود قبل از اسلام، بعد از اسلام؛
 ۱. قبل از طلوع اسلام از زن بعنوان یک موجود ضعیف و ناچیز و آنها از ارث محروم کردند. از آنها فقط برای بهره جنسی و استفاده می نمودند. در کشور پاکستان نقش مردان نسبت به زنان در همه امور برجسته تر می‌باشند و به زنان در تصمیمات امور خانه زیاد اهمیت نمی دهند.

پیامبر اسلام^(ص) به زن به عنوان یک انسان کامل مقام منزلت ویژه ای داد و به

زن‌های پیرسلام می‌کرد و چنان‌که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، مکرر دست دخترش فاطمه^(س) را می‌بوسید و می‌فرمود: (فاطمة بضعة منی من آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذان الله) فاطمه پاه تن من است هرکس او را اذیت کند حقیقتاً مرا اذیت کرده است و هرکس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است. «دایرة المعارف تشیع (جلد هشتم)، ص ۴۹۲.

۲. با ظهور اسلام و تعلیمات ویژه آن زندگی زن وارد مرحله نوینی گردید. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» سوره روم، آیه ۲۱. روح انسان به امید داشتن تکیه‌گاه و پشتوانه است که آرامش می‌یابد. پیامبر^ص فرمود: برادرم جبرئیل به اندازه‌ای به ما نسبت به زن سفارش کرد که گمان کردم به او «أف» هم نمی‌توان گفت. در حدیث دیگر آمده است که در بهشت مقامی است که سه نفر به آن می‌رسند: حاکم عادل، خوشرفتار به زن، صبور بر عیوب زن. نمونه دیگر آن نیز آمده است: «أحسن الصِّبْهَ لَهَا لِيَصْفَوْا عَيْشَكُمْ». بروجردي، جامع احادیث خوشرفتاری گرچه از نظر اخلاق هم داشتن رفتاری خوش هم وظیفه مرد است و هم زن و عقلاً هم رعایت این قاعده برای کیان خانواده و حسن جریان روند تکامل روحی و معنوی آن دو ضروری است. سید محمد خامنه‌ای، فلسفه، ص ۱۶۴.

شخصیت زن در کشور پاکستان:

اولین زنی که توانست در کشور پاکستان زنان را از انحصار و محدودیت افراط گونه در بیاورد زنی بی نظیر بوتو ایشان توانست این انحصار را در هم شکند ایشان در سال ۱۹۸۸ بعنوان نخست وزیر پاکستان انتخاب شد و از فرصت پیش آمده استفاده نمود تونست به حکومت و مسئولین بفهماند که یک زن هم می‌تواند به عنوان یک موجود الهی نخست و زیر شود و میتواند تحصیل علم نماید و سرنوشت فردی و اجتماعی خود را تغییر دهد.

وضعیت سینمای پاکستان

سینما گران چه در پاکستان و چه در خارج این کشور فعالیت‌های گسترده ای دارند در بررسی ها و وضعیت سینماگران غربی نشان می‌دهد صنعت فیلم هالیوودی توانست در سال ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در کشور پاکستان چنین افلام را به

شکوفایی رساندند.

اصطلاح «لالیوود» نیز در رقابت با صنعت سینمای بالیوود و هالیوود، نخستین بار توسط سلیم ناصر داستان نویسنده مجله گلمور در تابستان سال ۱۹۸۹ استفاده شد که بازی با کلمه هالیوود بود.

در این هنگام سالانه بیش از صد فیلم پنجابی و اردو اکران می‌شد. طی آن سال‌ها حدود نهصد سالن سینما در سراسر کشور و یازده استودیو تولید فیلم وجود داشت. اما با رواج یافتن ویدیو صنعت فیلم آسیب دید و امروزه تعداد سالن‌های سینما به کم‌تر از چهارصد دستگاه کاهش یافته است و هر سال فقط چهار تا پنج فیلم ساخته می‌شود. صنعت فیلم لالیوود فقط مخاطبان پاکستانی را در نظر می‌گیرد، در نتیجه، توجه بین‌المللی را به خود جلب نکرده است. یک فیلم پاکستانی که در بخشی از جشنواره بزرگی در آمریکا نمایش داده شد، «فیلم زرگل» بود که در سال ۲۰۰۱ در جشنواره فیلم دی. سی. در واشنگتن اکران شد. فیلم زرگل، که کاملاً با فیلمهای تجاری معمول لالیوود تفاوت داشت، فیلم عاشقانه پرزدخوردی بود که به موضوع‌های سیاسی، رشوه خواری، سرکوب و بنیادگرایی مذهبی هم پرداخته بود. غربی‌ها که زیاد با فیلم‌های پاکستانی سروکار ندارند، اطلاعاتشان در باره ورزش پاکستان بیش از صنعت فیلم این کشور است.

سنت‌های عرفی و اسلامی:

مقصود از سنت عرفی آن دسته از عقاید، باورها و آداب و رسوم خاص جامعه پاکستان است که نشأت گرفته از میراث گذشتگان و اندوخته‌های فرهنگی و فکری مردمان امروزی است. در این سنت، هر پدیده، رفتار، موجودات دارای جایگاه خاصی است و متناسب با آن جایگاه، در سنت عرفی احترام و ارزش دارد. سنت‌های عرفی هر منطقه تابع شرایط جغرافیایی و فرهنگی ساکنان آن نیز می‌باشد. مقصود از سنت اسلامی عبارتند از باورها، اندیشه، ارزش‌ها، هنجارها و اعمال دین‌مبین اسلام است که توسط مسلمانان و در قالب آداب و رسوم دینی تحقق می‌یابد. این سنت‌ها برگرفته از احکام الهی است و مایه سعادت انسان در دنیا و

آخرت است. در سنت اسلامی، خالق همه موجودات خداوند متعال است و هر موجودی و از جمله انسان ها، مخلوقی از مخلوقات خداوند و دارای شان و جایگاه ویژه ای است.

مبانی نظری

«بازنمایی»، مفهوم تلویزیون و فیلم های سینمایی است. بُعد بازنمایی، توجه ما را به تولیدات رسانه ای جلب می کند. این بعد شامل زمینه های ذیل می شود: مطالبی که رسانه ها عرضه می کنند، نحوه ی انعکاس موضوعات، انواع گفتارهای مطرح و ماهیت مباحث و مناضرات مطرح شده. بازنمایی به ابعاد اطلاعاتی و فرا اطلاعاتی تولیدات رسانه ای از جمله ابتعاد نمادین و بدیهی آن آثار اشاره دارد. بعد بازنمایی در گستره ی عمومی به پرسش هایی اساسی نظیر این که «چه مطالبی» باید برای انعکاس انتخاب شوند و «چگونه» به بینندگان عرضه گردند، اشاره دارد. (پیتراگرن، ص ۳۰) این مفهوم به شدت به بحث های مربوط به نظر برسند. اما آنچه ما نزد خود واقعی می پنداریم، خارج از بازنمایی وجود ندارد. این موضوع جدای از امور واقعی و تجربی است که در جهان اطراف ما روی می دهند؛ بنابراین، اشیاء، افراد، رویدادها و پدیده ها برای این که به واقعیت بدل شوند، باید به بازنمایی در بیاند و این کار با رود به آنها به زبان ممکن می شود. (محمد رشید ص ۱۷).

الگوی زن مطلوب در نگاه سیاستمداران در پاکستان

محمد علی جناح (محمد جواد هاشمی، ص ۱۰۵) سیاستمدار معروف پاکستان دیدگاهش را در مورد فعالیت های زنان چنین بیان می کند: ایشان در مورد حضور زنان در بیرون از منزل و در صحنه های اجتماعی و سیاسی، هنر نظرش این است که زن می تواند آزادانه شرکت نماید. ایشان در نهضت زنان بزرگی نظیر فاطمه جناح خواهرش حضور داشتند و ایشان را تشویق به حضور فعال در عرصه های مختلف نمود و به این نتیجه رسید که هیچ تفاوتی میان مردان و زنان وجود ندارد. در یکی از سخنرانی هايش می گوید: «شاید به خاطر داشته باشید که ما در نشست «پتتا» کمیته ای برای بانوان تأسیس نمودیم که برای ما بسیار حایز اهمیت بود. چرا که اینجانب معتقدم

زنان باید شانس مبارزه برای مرگ و زندگی را داشته باشند. زنان می‌توانند کارهای بزرگی را در خانه و حتی با داشتن حجاب انجام دهند. ما این کمیته را برای مشارکت بانوان در کارهای مسلم لیگ تأسیس نمودیم». (محمد علی جناح، ص ۱۰۶).

شخصیت دیگر بنام ذوالفقار علی بتو، ایشان از شخصیت‌های سیاسی و محبوب پاکستان بود که برای زنان پاکستان اهمیت زیادی قائل شد. ایشان در امر ازدواج تلاش نمود پسر و دختر می‌تواند حق انتخاب داشته باشند هرکدام باب میل خود شان ازدواج نمایند. ایشان قائل براین است که زن اسیر مردان و قربانیان خانواده‌ها نیست. ایشان با درایت و هوش‌مندی کامل خود توانست سنت‌های افراطی مدرن را شکست داد و به سنت‌های اصیل سنتی روی آورد.

شخصیت دیگر که توانست زنان را در پاکستان از محدودیت افراط نجات داد بنام بی نظیر بتوبود، ایشان از قول پدرش می‌گوید: پدرم همیشه برای من توصیه می‌کرد و می‌گفت: پسرها و دخترها باهم برابرند. دلم می‌خواهد دخترهای من هم همان فرصت‌های پسرها را داشته باشند. (انگلر مری، بی نظیر بتو، ص ۱۲).

تحلیل سه تا فیلم؛ فیلم بُرّقع، فیلم نامبر، فیلم مریم مختار:

فیلم «بُرّقع»

در بررسی داستان فیلم بُرّقع (بُرّقع یک نوع چادری است که حتی صورت زنان را هم می‌پوشاند، اگر کسی این نوع چادر را بر تن داشته باشد توان تشخیص اینکه زن است و یا مرد خیلی سخت می‌باشند متأسفانه مردان نیز از این نوع چادر به خاطر کار خلاف و یا فرار از جایی به جایی استفاده می‌کنند). معلوم می‌شود که از زاویه‌های مختلف به بازنمای شخصیت زن به طور ویژه اشاره دارد.

داستان چنین شروع می‌شود، در این فیلم نشان می‌دهد یک خانواده سنتی مقید به عرفیات غلط نسبت به زنان محدودیت‌های نا بجا وضع نموده است و آنها را از تحصیل و مشارکت‌های اجتماعی باز داشته است. داستان در این فیلم اشاره دارد به اینکه پدر علی‌رغم میل باطنی؛ با پیشنهاد خانمش کنار می‌آید و اجازه می‌دهد که دخترانش به دانشگاه تحصیل کنند. اما دختران وقت وارد دانشگاه می‌شوند آنجا قوانین و مقررات خاص دانشگاه را دارند و ممکن است در برخی موارد معارض و

یا موافق با سنت‌های خانواده نباشند.

روزی از طرف دانشگاه اعلام می‌شود که دانش آموزان با اخذ مجوز از اولیای خود می‌توانند به اردوی دانشگاه شرکت کنند. دختر این خانواده علاقه شدیدی به مسافرات با دوستان‌شان دارد سرانجام تصمیم می‌گیرد که در خفا امضای پدر را جعل کند و به اردوی یک روزه دانشگاه شرکت کند، البته ترس و دل‌هره تمام خوشی‌های این مسافرت را از او می‌گیرد. از قضا آن روز کاروان اردویی دانشگاه با تأخیر فراوان بر می‌گردد و سزایی این تأخیر ناخواسته، این است که پدر همه دخترهایش را از تحصیل محروم می‌کند.

اما دختران تسلیم اراده زیاد روی پدر نمی‌شود و به فکر می‌افتند که راه چاره‌ای پیدا کنند تا قربانی خشونت پدر نشوند. بازهم کلید این مشکل را در نزد مادر می‌بینند و شاید مادر بتواند این بار نیز با لطائف الحیل پدر را متقاعد کند تا مانع تحصیل آن‌ها نشوند. آخر الامر پدر با وساطت مادر و با قوانین سخت‌گیرانه اجازه می‌دهد دختران - شان به تحصیل ادامه بدهند.

دختر خانواده به پدر قول می‌دهد که قید همه اردوها و مسافرت‌های دانشگاه را بزند، فقط درس بخواند و نمرات خوبی بگیرد تا مایه افتخار خانواده باشد. اما محیط دوستان و دانشگاه نمی‌پذیرد و روزی جمعی از دوستانش در کنار دریای «کراچی» برای تفریح می‌روند. از او هم می‌خواهد که به این روز شادی حضور داشته باشد، بالاخره او را با اصرار می‌برند و در آنجا در جمع دوستانه تحت تأثیر دوستانش قرار می‌گیرد و چادر را مانند بقیه بر می‌دارد، اتفاقاً یکی از همسایه‌هایش که برای تفریح به آنجا آمده بوده او را بدون چادر می‌بیند. هنگام بازگشت به محل ماجرا را مؤمو به پدرش تعریف می‌کند. از سر اعتراض می‌گوید: شما روابط اجتماعی را به‌خاطر حیا و حجاب دخترانت حتی با همسایه‌ها قطع کردی، حال آن که امروز دخترت با دوستان‌شان، کنار دریای کراچی بدون چادر دیدم. ولی پدر بر خلاف انتظار می‌گوید: من چیزی را که به چشمم نبینم نمی‌پذیرم و در خانه نیز به این قضیه ترتیب اثر نمی‌دهد و این ماجرا بخیر می‌گذرد.

روزی یکی از همکلاسی‌های دانشگاهیش او را به جشن تولدش دعوت می‌کند تا با جمع از همکلاسی‌هایش روز خوشی را، در جمع خاطره‌های‌شان بیفزایند. البته این دفعه شانس با دختر خانواده است. چرا که پدر مدت چندروز است که بارو بندیل سفر را بسته، آماده سفر پیشاور است. او با کمال میل دعوت دوستش اجابت می‌کند و با اطمینان خاطر به جشن تولد شرکت می‌کند تا شادی‌هایش را با دوستانش تقسیم کند. هنگام که بر می‌گردد متأسفانه چادرش در اتوبوس جا می‌ماند، با عجله تاکسی می‌گیرد تا از دید همسایه‌ها پنهان بماند. وقتی دم در منزل می‌رسد می‌بیند که پدر خشمگین، جلو در خانه قدم می‌زند و منتظر است که دخترش کجا رفته و چرا دیر کرده. دختر از دیدن این منظره متوجه می‌شود که مسافرت پدر کنسل شده و اگر او را با این وضعیت ببیند، مجازاتش مساوی با کشتن است، از ترس از هوش می‌رود. راننده تاکسی که پسر جوان است از دیدن این صحنه شوکه می‌شود و فوراً او را به جای این که به بیمارستان برساند، به منزلش می‌برد، به مادرش می‌گوید، این دختر از خانه فرار کرده از ترس پدرش به این حال و روز افتاده. دختر وقت حالش مساعد می‌شود. راننده مجرد و جوان با مادرش از او می‌خواهد که در خانه آن‌ها بماند. فردای آن روز پسر جوان به تنهایی دم در دختر می‌رود تا راه حل برای این مشکل پیدا کند. وقت در را می‌زند همسایه‌اش می‌گوید: این خانواده شبانه بخاطر این که دخترش فرار کرده، از این محل رفته تا آبرویش حفظ شود و هیچ کس نمی‌داند کجاست.

هنگام برگشت پسر جوان ماجرا را به دختر تعریف می‌کند، دختر مجبور می‌شود که پیشنهاد ازدواج پسر جوان را بپذیرد و برای همیشه تسلیم سرکوفت‌های شوهر و مادر شوهر شود و آن‌ها هم از موقعیت سوء استفاده کردند و هیچ وقت او را به اسم خودش صدا نمی‌کرد، بلکه از واژه دختر فراری استفاده می‌کرد.

حاصل این ازدواج ناخواسته دو دختر است که تمام دل‌خوشی‌های مادر، همین دخترانش می‌شود. گریه‌های پنهان او با آمدن دخترانش و ظلم و ستم مادر شوهر و شوهر قابل تحمل می‌شود و همیشه با آنها سرگرم است و تنها چیزی که او را زجر

می‌دهد مبهم بودن سرنوشت آن‌ها است و نمی‌خواهد که به سرنوشت خودش گرفتار شود. مادر اجازه ندارد دخترانش را به مدرسه بفرستد. فقر و مشکلات عمدی اقتصادی امکانات اولیه آموزش را نیز از آن‌ها گرفته. ولی مادر، در عین حال تلاش می‌کند که دخترانش باید باسواد شوند. آن‌ها را دور از چشمان شوهر و مادر شوهر روی خاک می‌نویسد و آموزش می‌دهد. روزی مادر شوهرش می‌بیند که او با دخترانش خاک بازی نمی‌کند، بلکه مدرسه خصوصی برایش بازکرده، خواندن و نوشتن را می‌آموزاند. مادر شوهر با همان منش که دانشگاه باعث فرار مادر شده و نمی‌خواهد این ماجرای تلخ به نوه‌هایش منتقل شود، ماجرا را به پسرش می‌گوید، هردو به جان عروسیش می‌افتد تا دل‌شان می‌خواهند کنکش می‌زنند. سرانجام مادر شوهر و همسرش فوت می‌کنند، فصل جدیدی از زندگی پیش‌روی او گشاده می‌شود، او روزها در خانه‌ها کار می‌کند با این تفاوت که شب‌ها وقت به خانه بر می‌گردد دخترانش به استقبال او می‌آیند و دست‌های مادر را می‌بوسد. روزی یکی از همسایه‌ها به او می‌گوید: مدرسه سرای دارد که یک کارگر خانم لازم دارد، می‌توانی هم دخترانت را به مدرسه آنجا بفرستی و هم خودت در کنار آنها مشغول به کار شوی، او با کمال میل می‌پذیرد. روز بعد می‌آید که با مدیر مدرسه در مورد اسخدامش صحبت کند، وقت وارد دفتر مدیر می‌شود، می‌بیند که پدرش مدیر است، به محض دیدن پدر فرار می‌کند که مبادای پدرش او را بشناسد. پدرهم متوجه می‌شود که دخترش هست به دنبالش می‌دود. به دخترش می‌گوید من پدرت هستم چرا فرار می‌کنی من بخشیدم، دخترش می‌گوید: آن روز که از جشن تولد برگشتم جرم مرتکب نشده بودم بخاطر ترس از مرگ فرار کردم اما امروز که فرار می‌کنم نه بخاطر ترس از مرگ، بلکه بخاطر دخترانم که به جرم مادر نسوزد. در اخیر نقش پدر و یا مادر را چنین می‌توان تحلیل نمود اینکه پدر نمی‌خواهد دخترش با لباس غیر سنتی در دانشگاه حاضر شوند البته این چنین رفتار حاصل شنیده‌های پدر و یا مادر است. در بررسی نقش مادر می‌توان چنین تحلیل نمود اینکه مادر رفتار معتدل نسبت به دختران خود دارند تلاش می‌کنند به غرور پدر و حق دخترش نسبت به تحصیل ضایع نشوند.

فیلم رانگ نمبر (شماره اشتباه)

در تحلیل این فیلم داستان به یک پسر بچه که دانشگاه می رود اشاره دارد. به از فراغت ایشان از دانشگاه؛ پدرش ایشان را مجبور می کند تا برای خودش شغلی مستقل انتخاب نماید و یا پیش پدرش که شغلش قصابی است بعنوان شاگرد مشغول به کار شود. ایشان به خواسته پدر تن نداد و شاگردی را قبول نکرد بالاخره مدیریت یک شرکت که متعلق به یک پیر مرد که خودش در سیدنی پایتخت استرالیا زندگی می کند، عهده دار شد پیره مرد پسرش فوت کرده و فقط یک نوه که در آینده همه چیز به او تعلق می گیرد و در ناز و نعمت زندگی می کند. پسر قصاب به این شرکت برای تقاضای کار می رود. از قضا هنگامی می رسد که رئیس شرکت با پیره مرد صاحب شرکت در استرالیا از طریق ویدئوکانفرانس راجع در مورد شرکت حرف می زند. پیره مرد نوه جوانش را برای رئیس شرکت نشان می دهد که در پاکستان تا چند روز آینده می آید، سفارش می کند که از هیچ گونه امکانات برایش دریغ نکند و تمام سعی و تلاشش را بکند که برای نوه اش خوش بگذرد. پسر قصاب تصویر نوه پیره مرد را که می بیند کاناً خود اوست. بعد از این که ویدئوکانفرانس تمام می شود با رئیس شرکت در مورد استخدامش صحبت می کند و رئیس شرکت جواب منفی می دهد که فعلاً نیروی کار لازم ندارد.

پسر از دیدن این ماجرا طرح نو به راه می اندازد؛ طرحی که در سر می پروراند این است که چند نفر از اراذل و اوباش را برای ربودن نوه پیره مرد اجیر می کند و میخواهد خودش را به جای قالب کند تا بتواند از این شرکت کلاه برداری کند و یک شبه به پول کلانی برسد. این نقشه را به خوبی برنامه ریزی می کند و در آن شرکت دختری که به عنوان منشی استخدام شده بعداً عاشق او می شود و دختره نیز دلش می خواهد که دوستی پولداری مانند نوه صاحب شرکت داشته باشد. در طول همین ماجرا این اتفاق می افتد.

فیلم مریم مختار:

یکی از فیلم های است که نخستین زن شیعه به دانشکده پیلوت (خلبان) راه پیدا

کرده. به سختی این دوره آموزشی را می گذرانند، با حمایت پدر و مادر تمام سختی های اقتصادی، را تحمل می کند تا این تبعیض برداشته شود و دیگر زنان شیعه در پاکستان بتوانند در رشته های تحصیلی مورد دل خواه درس بخوانند و به همان رشته در بدنه دولت جذب شوند. آرزوی شاید همه هنرمندان شیعیان پاکستان است که تبعیض نژادی برداشته شده و راه را برای پیشرفت کشور آماده شوند.

در این فیلم بعد از پذیرفته شدن نخستین بانوی زن شیعه بعنوان پیلوت، حالا باید او تمام سختی ها، نداری ها را تحمل کند تا این دوره آموزشی را با موفقیت به پایان ببرد و بتواند به آسمان کشورش پرواز نموده و امنیت آسمان کشور را یک بانو تأمین نماید. در لابلای تمرین ها گاهی سخت خسته می شود و برای مادرش می گوید من تحمل این همه سختی های این دوره آموزشی ندارم می خواهم انصراف بدهم و به زندگی عادی خود ادامه بدهم. اما مادر با تمام قدرت و قوت از او پشتیبانی می کند و نمی گذارد که اهداف او خنثی شود و تمام زحمات های خود مریم و خانواده که در این مسیر کشیده نیمه تمام بماند.

با تشویق ها و تهدیدهای سازنده مادر مریم دوباره به کارش ادامه می دهد و هرباری که از خستگی ها و تمرین های طاقت فرسای رنج می برد. حرف های مادرش او را انگیزه می دهد و ادامه راه برای او هموار می کند و مریم را به اهدافش نزدیک می کند. زمانی که این مراحل سخت را پشت سر می گذرد و تمام فنون پرواز را می آموزد. الان که ثمره کارش هست خودش با انگیزه به نیروی هوای کشور پاکستان حاضر می شود و لحظه شماری می کند تا پشت فرمان هوا پیما بنشیند و به آسمان پاکستان پرواز کند و شوق پرواز حالا او را به یک انسان شجاع و دغدغه مند تبدیل کرده است که در این گیرودار متاسفانه یکروز هوا پیمای جنگی دچار نقص فنی می شود و این علت را خودش هم نمی داند و تمام ارتباط او با برج کنترل می شود و هوا پیما سقوط می کند و مریم به شهادت می رسد و دردناک تر از همه این است که در این مقطع از زندگی که مریم پشرفت کرده و دارد ثمر کارش را پدر و مادر هر روز می بیند و از لحظات شیرین این روزها لذت می برد. مع الاصف شدید خبر شهادت مریم را طی مراسم

ویژه به پدر و مادر اعلام می‌کنند و این آروزی آنها عمر بسیار کوتاه داشت، همراه با درد و غم. زمانی که پدر و مادر مریم مختار خبر قبول شدن او را به مریم می‌دهد مریم اول از خوش‌حالی به هوا می‌پرد و بعد اول پدر را در آغوش می‌گیرد و او را بوس می‌کند. این قسمت از فیلم مطابق با معیارهای اسلامی نیست. هنگامی که این فیلم به روی پرده سینما می‌رود و در مقابل صدها و هزار جوان به نمایش گذاشته می‌شود مخاطب فکر می‌کند که مسائل اسلامی؛ وقتی در بین هنرمندان رعایت نشوند که الگو برای جامعه است. پس حتماً با سنت‌ها و عرف جامعه پاکستان هم مطابقت دارد و بد آموزی شدیدی برای مخاطبان دارد. چنان که عکس آن را در فوق مشاهده می‌کنید.

در نهایت به بغل برادرش قرار می‌گیرد که احترامی به مسائل اسلامی، متأسفانه نمی‌گذارد و به شدت بر مخاطب مخصوصاً قشر جوان تأثیر منفی می‌گذارد و واقعاً با سنت‌های عرفی پاکستان اصلاً سازگاری ندارد.

آنچه نظر واقعی و تبعی در این فیلم دیده می‌شود یکی همین سکانس است که مریم واقعاً به گونه ابراز خوشحالی می‌کند که انگار در زندگی واقعی او اتفاق افتاده که این مسئله یکی از برجستگی‌های این فیلم قلم‌داد می‌شود. به نظر می‌رسد هیچ ایرادی در این قسمت وجود ندارد. مریم مختار به قسم این صحنه را جلوی دوربین به نمایش گذاشته است که در میان اشک شوق و خوشحالی زائد الوصف مخاطب را به همراه خود در چنین صحنه می‌کشاند و به جذابیت و اکشن بودن فیلم تأثیر به سزایی دارد:

کاش این لباس نظامی نیروی هوای پاکستان در همه جا بود. حجاب کامل در نیروی هوای پاکستان سبب برازندگی بانوان و آقایان است و مَرّی قانون اسلامی است به گونه‌ای که همه بانوان و مردان از را جذب می‌کند و فاخرترین لباس و حجاب در پاکستان است و مطابق با معیارهای سنت پاکستان و اصول بنیادین اسلامی است. آرزوی هر مسلمان است که همچون نیروی هوای داشته باشد. کارگردان این قسمت را بسیار طبیعی و مطابق با معیارهای اسلامی و سنت‌های

اصیل پاکستان از لنز دور بین نگاه کرده است.

نکته‌ای دیگری که با معیارها و اصول اسلامی دمساز است. این است که همه نظامی‌ها با دست غذا می‌خورند و قاشق و چنگال ندارد. هم در مسائل فقه اسلامی تأکید شده و همه با سنت‌های عرفی پاکستان مطابقت دارد که در تصویر زیر این دو نکته فوق دیده می‌شود:

هنگامی که مریم مختار برای تمرین عملی حاضر می‌شود فرط خستگی گاهی او را کلافه می‌کند به گونه‌ای که راضی می‌شود تا عطائی این کار را به لقائش ببخشید و با این دوره آموزشی که سال‌های برای آن زحمت کشیده و عرق جبین ریخته اکنون دیگر توانش ندارد و نمی‌تواند ادامه مسیر را طی کند. اینجاست که تشویق‌های مادر برای مریم مختار کارساز می‌شود و نقش مادر در ادامه راه او را همراهی می‌کند:

وقتی خبرشهادت مریم مختار را به مادرش وقتی اعلام می‌کند. طی مراسمی خاص به مادرش می‌گویند این به نظر می‌رسد علارغم دیگر فیلم‌های پاکستانی جنبه بسیار مثبتی دارد و آموزندگی آن در مخاطبان حس همگرایی و اتحاد با نیروی هوای پاکستان را به همراه دارد و هم ارج نهادن به خانواده مریم مختار است:

تحلیل بازنمایی شخصیت فردی زن در سینمای پاکستان بازنمایی شخصیت فردی زن در سینمای پاکستان، خود را بیشتر به موسیقی پاکستان در سینما نشان می‌دهد. در دهه‌های گذشته بیشتر مردان به موسیقی و رقص در سینمای پاکستان می‌پرداخت و از او به عنوان الگوی مطلوب گاهی در موسیقی سنتی جامعه پاکستان مورد توجه جامعه قرار می‌گرفت و انصافاً برای دولت، ملت و اقشار مختلف جامعه ارزشمند بود ولی امروزه متأسفانه حضور فردی زن بازیگری در عرصه‌های موسیقی این الگوی مناسب با سنت‌های اسلامی پاکستان را خدشه دار نموده و حتی جسارتی به فرهنگ اسلامی نیز می‌باشد. البته بازنمایی شخصی زن در عرصه‌های موسیقی نه تنها به صورت موسیقی سنتی و گاهی افق دید این عرصه بیشتر شده و موسیقی‌های غربی که با حرکات رقص در سینمای پاکستان، روی پرده سینما می‌رود که عده‌ای زیادی از زنان و مردان را پای پرده‌های سینما میخ‌کوب کرده به خصوص مردان چشم چران که

اوقات زیادی از زندگی‌شان، با مصارف هنگفت روپیه خود را به هردلیلی به سینمای پاکستان می‌رساند و به تماشای آواز و رقص‌های فیلم اکشن می‌رساند. شهید آوینی واکنش بازنمایی شخصیت فردی زن را این‌گونه تعریف می‌کند.

«زن» بیچاره هم که شده است «دامی شیطانی» برای کشاندن مردها به سینما؛ مردها تا روی به هرزگی نیاورند صید این دام نمی‌شوند، اما حتی در کشوری چون پاکستان هم که اصلاً علت جدایی‌اش از هند دینداری و مسلمانی بوده است و از همان آغاز «جمهوری اسلامی» نام گرفته، چشم چرانی مردان در سینماها قبحی ندارد. مفسران شرع انور را با حقیقت دین کاری نیست و همین قدرت که تو در شناسنامه مسلمان باشی کافی است.

قبل از پرداختن به اقسام موسیقی پاکستان و دورنمای از موسیقی پاکستان لازم است نکته‌ای را در مورد این مسئله توضیح دهیم که ممکن است به ذهن خوانندگان این نوشته هم خلق شود که چرا دولت اسلامی پاکستان در این زمینه ورود ندارد و سینمای پاکستان از ورود به مسیر فرهنگ بیگانه و عملیات فردی زن که در سینمای پاکستان جلوی عده‌ی کثیری از مردان و زنان مسلمان پاکستان خود نمایی می‌شود که هیچ مطابقت با دین و شرع مقدس اسلامی ندارد نمی‌گیرد؟! دولت پاکستان تا هنوز هم در لایه‌های پنهان حکومت و دولت افکار و اندیشه‌های غربی وجود دارد که اگر صددرصد اسلامی باشد و فرهنگ اصیل و سنتی پاکستان را به خصوص در سینمای پاکستان رعایت کند و جلوی هرزگی و بی بندوباری را بگیرد، حلقه‌ی وصل اقتصادی و روابط دیپلماسی ممکن است با غرب گسیخته شود و پول‌های کلانی که در این راستا از غرب دریافت می‌کند، قطع شده و دولت پاکستان را در وادی برهوت تنها بگذارد. این تحلیل نگارنده است که با توجه به کشورم و سیاست‌های که پیش‌رو دارند، من به این نتیجه رسیده‌ام.

اگر دنبال مقصر بعدی باشیم، دین‌داران و اقشار مختلف مردم است که تا هنوز این قدرت و جسارت را پیدا نکردند که در دولت را متقاعد کند که سینمای پاکستان باید صددرصد اسلامی باشد. اگر متدینون به این کار اقدام جدی و عملی کنند.

آنگاه در مقابل دولت قرار می‌گیرند که شاید در مزاق دولت خوش نیاد و با خشونت به اقدام به این امر کند چنانچه بارها اعتراض مردمی به ویژه روحانیت شیعه موجب شده است که وهابی‌های تندرو در مقابل واکنش روحانیت و افراد متدین و با نفوذ پاکستان دست به خشونت و انتحار زدند که نمونه‌های زیادی آن را در مناطق شیعه نشین داشتیم و این نکته هم قابل تذکر است که غالب بازی‌گران زن در سینمای پاکستان زنان سنی و اگر به سرچشمه آن نگاه کنیم وهابیت در این زمینه ورود پیدا کرده بازنمایی شخصیتی زن از طریق آن‌های در سینمای پاکستان با موسیقی و رقص رونق بیشتری دارد.

معمولاً موسیقی پاکستان به دو دسته اصیل و موسیقی پاکستانی و موسیقی بر گرفته از موسیقی یا روش غرب، تقسیم می‌گردد که به تفصیل به این دو نوع موسیقی می‌پردازیم بعد نقاط مشترک و تفاوت‌ها را بیان خواهیم کرد.

تا اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، موسیقی رایج پاکستان تقریباً منحصر به آهنگ‌های فیلم‌های معمول هندی و پاکستانی بود که هنرمندان بومی آن‌ها را اجرا می‌کردند. اخیراً تعداد زیادی از پاکستانی‌ها به موسیقی پاپ به سبک غربی گوش می‌دهند که این پدیده باعث افزایش شمار آن دسته از آهنگ‌سازان و نوازندگان و خوانندگان پاکستانی شده است که به سبک راک کار می‌کنند. در زمینه‌ی موسیقی، در اوایل زنان خیلی ورود چشم گیر نداشتن، بلکه مردان بودند که در عرصه‌ی موسیقی نقش عمده و اصلی را داشتند. این روند تا سال‌های اخیر ادامه داشت و زنان در سینمای پاکستان بیشتر به دیالوگ‌ها بسنده می‌کردند حتی در سینما نقش‌های که سازنده و پررنگ باشد، نیز به زنان داده نمی‌شد، همیشه تحت تأثیر مردان و کسانی که از آن‌ها سوء استفاده می‌کردند، نقش داده می‌شد. اما در این اواخر زنان در عرصه‌های موسیقی سنتی و مدرن دست‌یابیدن و دنیای سینما و بازی‌گری را با موسیقی نیز رونق داده است و تماشاچای زیادی را با موسیقی جذب نموده است.

در سال ۱۹۸۰ پاکستانی سیزده ساله‌ای به نام «نازیا حسن» با امتزاج سبک‌های غربی و شرقی در ذائقه‌ی موسیقی پاکستانی انقلابی پدید آورد، و در این روند در صدر

موسیقی پاکستان قرار گرفت. این اتفاق راه را برای پیدا شدن گروه‌های راک پاکستانی هموار کرد که سردهی آن‌ها مشهورترین گروه موسیقی مدرن در جنوب آسیا به نام گروه «جنون» است. البته این گروه صرفاً به جنبه‌ی فروش و مطرح شدن موسیقی‌شان توجه داشت و بلکه جنبه‌ی تجاری نیز داشته است.

اگر بخواهیم این نوع موسیقی را نقد کنیم در ابتدا محل اعراب ندارد، چون تعارض با فرهنگ و سنت اصیل و بنیادین پاکستان دارد. جایگاه ارزشی و مثبت ندارد. گرچند در فاصله‌ی زمانی بسیار کوتاه این نوع موسیقی بین جوانان طرف-داری زیادی پیدا کرد، در جامعه مطرح شد؛ چون بر گرفته از فرهنگ غرب بود که نه با سنت‌های پاکستانی و نه با معیارهای اسلامی تطابق دارد.

برای این که تیراژ فروش فیلم در سینماها رونق پیدا کند و هدف کلانی که غربی-ها به این نوع موسیقی داشت پیاده سازی اهداف شخصی و فرهنگ وارداتی غرب در موسیقی و سینمای پاکستان بوده است.

این نوع موسیقی آمیخته با فرهنگ غرب بود. از این جهت هم مخالف با عرف و سنت‌های جامعه اسلامی پاکستان بود و هم برخی از ناهنجاری‌های ضد اسلامی را به همراه داشت. اما در سینماهای پاکستان گسترش پیدا کرد، ولی مخالف با ارزش-های اسلامی و سنت‌های جامعه‌ی پاکستان بود دولت مجبور شد که جلوی این کار را بگیرد تا احساسات مردم پاکستان برانگیخته نشود، مردم نسبت به دولت بدبین نشود. کوچک‌ترین قدمی که دولت در ممانعت این نوع موسیقی و فیلم‌های-که لایه‌های آن پر از موسیقی غربی بود- کرد این بود که در تلویزیون به نمایش نگذاشت، علتش این بود که جامعه‌ی اسلامی پاکستان و سنت‌های ناب کشور اعتراض می‌کردند و دولت تحت فشار افکار عمومی قدمی در این زمینه برداشته است. متأسفانه سینمای پاکستان آلوده به این نوع موسیقی غربی است و هرروز نیز به ترویج این گونه موسیقی در بین زن و مرد پاکستانی، از سوی سینماگران و شخصیت‌های سینمای می‌شود.

بازنمایی شخصیت اجتماعی زن در سینمای پاکستان

گزارشی از سفر پنجاه روزه‌ای «شهید آوینی» به پاکستان به قصد پژوهش و ارزیابی ارزیابی از سینمای پاکستان، یا برای تهیه فیلم‌های مستند از سینمای پاکستان رفته بود، کمک بزرگی در رابطه با این موضوع، می‌باشد. این سینماگر ایرانی وقت به بررسی و پژوهش در حوزه سینمای پاکستان به خصوص در مورد بازنمایی شخصیت اجتماعی زن در سینمای پاکستان با کنجکاوی به این مطلب می‌پردازد و این قضیه را از زاویه‌های مختلف بررسی می‌کند. در نتیجه مطالبی خوبی را در خصوص بدست می‌آورد که راه را برای نوشتار من نیز روشن می‌کند و به تفصیل به آن پردازیم:

او می‌گوید: اگرچه این سفر بسیار شتاب زده بود؛ دلیل بر این نیست که ما بی اعتنا به سینمای پاکستان باشم، ولی در این گزارش واقعیات را به رشته‌ی تحریر در آورده که و نقدی که بر سینمای پاکستان دارد بسیار اهمیت دارد، چون نگارنده اگرچه یک شهروند پاکستانی هستم و در رشته‌ی رسانه چند صبا‌حی تحصیل کردم و استادانی را در رابطه با رسانه دیدم، لیکن آنچه متخصص در رشته می‌بیند ما آن واقعیات را نمی‌توانیم به درستی نقد، تحلیل و تفسیر کنیم. ضرب المثلی معروف است که بهتر مقصودم را بیان می‌کند که «آنچه متخصص در خشت خام می‌بیند ما در آینه نمی‌بینم».

شهید آوینی کل ماجرای که از تهران سوار هواپیما می‌شود تا فرودگاه کراچی که هواپیما به زمین می‌نشیند را با تمام جزئیات با قلم زیبا و رسای که دارد تعریف می‌کند که من این قسمت را فاکتور گرفتیم، چون مرتبط با موضوع ما نیست. بدون مقدمه به اصل مطلب رفتم و از لابلای مطالبی این مقاله؛ آن بخش‌های که ما را به نقد سینمای پاکستان نزدیک می‌کند را در آوردم که در صفحه‌ی نخست این مقاله می‌نویسد «نمی‌دانم لفظ «سینمای پاکستان» درست است یا نه. چرا که اگر مقصود از «سینما»، سینما به مثابه «تجارت فیلم سینمایی» باشد، شاید بتوان پاکستان را صاحب

سینما دانست وگرنه، پاکستان سینما ندارد.» (مرتضی آوینی (سید)، آینه جادو (جلد سوم) ص ۲۷۱)

دقت در جملات و عبارات این متخصص در سینما بیندازیم و از دید او نگاه کنیم،

سینمای پاکستان جنبه‌ی تجارت فیلم دارد و رویکرد تخصصی و مطابق با معیارهای اسلامی و سازش با سنت‌های اجتماعی کمتر دیده می‌شود. تبعاً بازنمایی شخصیت زن با رویکرد اسلامی زیر سوال می‌رود.

ما در این رساله فقط از جنبه‌های اقتصادی به سینمای پاکستان نگاه نمی‌کنیم، بلکه رویکرد ما در سینمای پاکستان، از همه مهم‌تر رویکرد اسلامی است. بعد لایه‌های پیدا و پنهان سینمای پاکستان را از جهت سازگاری و نا سازگاری با سنت‌های اجتماعی نیز در این رساله برای ما اهمیت دارد که به آن به صورت تفصیل بیان خواهیم کرد. رسالت بعدی ما در این نوشتار نقش بازیگر زن در سینمای پاکستان است که یک زن در سینمای پاکستان می‌تواند با رویکرد اسلامی به بازیگری به سینمای پاکستان ایفای نقش کند یا فقط دست خوش تاجران فیلم قرار گرفته و آن‌ها فقط با رویکرد اقتصادی، وارد سینما می‌شود.

تجزیه و تحلیل و نقد کلی بازیگری زن در سینما مبتنی به نگاه فقهای امامیه

بازیگری زن از آن جهت که در فیلم‌ها نقشی را ایفا می‌کند و به عنوان هنر پیشه در نقش یک زن، مادر، خواهر عمه و... یک فیلم را روایت می‌کند. ناگذیر از این است که باید در آن نقش به گونه‌ای هنرمندانه ظاهر شود که انگار دارد این اتفاق می‌فتد. اگر این نقش به درستی انجام نشود، قطعاً ضعف از هنر پیشه است که در آن نقش نتوانسته خوب ایفای نقش کند.

ناگذیر است که زن در حین انجام نقش به گونه‌ای ظاهر شود که مخاطب حس کند که این نقش نیست. بلکه آن رخداد به صورت واقعی و عینی محقق می‌شود. برای توضیح بیشتر؛ لازم است که مثال‌های محسوس بزنیم مثلاً یک بازیگر سینما می‌خواهد نقش یک زن را در فیلم سینمایی بازی کند، براساس اصول بنیادین بازیگری زن بازیگر در قلمرو کشور اسلامی باید با حجاب باشد. در حالی که قریب به ۹۹٪ فیلم‌های که در سینمای پاکستان تولید می‌شود این چالش در فیلم وجود دارد که یک زن هنرپیشه‌ی پاکستانی آن را رعایت نمی‌کند. البته دلایل مختلفی دارد که یکی از آن دلالت عدم استقلال زن در بازیگری است، ابزاری بودن زن در

سینمای پاکستان به شدت پُررنگ است، پیداست که زن در نقش که دارد به او القا می‌شود با هر قواعد و مقرراتی که صاحب صلاحیت به او بگوید لاجرم زن در سینما باید اجرا نماید ولو این که مخالف مقررات اسلامی باشد، باید انجام دهد، او مجبور است که لباس، حرکات، نقش‌های تحریک کننده را بازی کند تا سودی برای سینماگران داشته باشد. این مدل و روش در سینما صدمات مرئی و نامرئی به افراد جامعه وارد می‌کند که در بلندمدت فرهنگ سنتی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین جهت است که فقها حتی مقدمهٔ حرام را نیز حرام می‌دانند. (مؤنی صرفی، احمد، ص ۱۴۰)

نتیجه‌گیری

بنابراین در نتیجه‌گیری نهایی چالش‌های زیر را می‌توان چنین برشمرد:

۱. سینمای پاکستان از آن جهت که دستخوش سینماگران شرکت‌های پاکستانی قرار دارند که به جز سود به هدف دیگری در این سینما توجه ندارند. افرادی که متعهد و مسئولیت در قبال کشور مردم و احکام و دستورات دینی را نادیده می‌گیرند بزرگترین خیانت است که توصیه و موعظه برای آن‌ها اصلاً اثر ندارد. تنها راه برون رفت از این مسأله این است که حکومت باید به این مقوله توجه داشته باشد و قوانین و مقررات سخت‌گیرانه در سینما وضع کند که فرهنگ ملی و سنت‌های اصیل و شایستهٔ یک کشور اسلامی باید حفظ شود. این راه بهترین کاربرد برای جلوگیری از ابتزال سینمای پاکستان است. اگر دولت به این زمینه ورود نداشته باشد و قوانین را برای سینما در مجلس وضع نکنند مسلماً افراد که فقط به فکر در آمد و پول هستند هرگونه که دل‌شان می‌خواهد از بازیگر و موضوع فیلم سوء استفاده می‌کند.

۲. چالش دوم خود دولت است که به نظر می‌رسد از این رها بودن سینما سودی عائد او می‌شود، وگرنه دولت چطور در مسائل دیگر اسلامی توجه مبرم دارد، ولی در این مورد اصلاً توجهی ندارد. زمانی که یک فیلم که تمام مقدسات و دستورات اسلامی را می‌خواهد از بین ببرد و مردم علیه دولت اعتراض می‌کند، چطور دولت تحت فشار افکار عمومی چند صباحی مخالفت می‌کند و حتی در حد یک تذکر یا تعطیلی سینما بسنده می‌کند. بنابراین، دولت توانایی فوق العاده در کنترل و جلوگیری

از این معطل دارند ولی بی تفاوت از کنارش می‌گذرد حتماً سود کلان نصیب دولت می‌شود که کم محلی و بی توجهی در این زمینه دارد.

۳. چالش دیگری که در سینمای پاکستان وجود دارد، این است که خود بازیگر نیز به عنوان یک ابزار است، زمانی یک کشور پیشرفت می‌کند که هنر پیشه به عنوان یک فرد متعهد و مسئول در قبال فرهنگ، سنت‌های پسندیده و دین و مذهبش باشد. زنان بازیگر به طور کلی این گونه نیست که فیلمی را و نقشی را بازیگری کند که برخلاف عقیده و مذهبش باشد. اما آنچه مهم است این است که - چنان در اصل متن پایان نامه به صورت مبسوط بررسی شده است - بازیگر زن یا مرد در هر نقشی که هستند استقلال در بازیگری ندارد. اگر او خود را در برابر دین و مذهب و کشور مسئول بداند باید در این صحنه وارد نشود. اگر در تداوم بازیگری مخالفت و اعتراض هم داشته باشد ممکن است گوش شنوای نباشد تا به حرف‌های او ترتیب اثر بدهند. زمانی این مشکل حل خواهد شد که بازیگران به صورت تیمی و دسته جمعی تصمیم بگیرند که این معضل را از ریشه بخشکانند و سینمای که در شأن یک کشور اسلامی است و با بافت سنت‌های اصیل و بنیادین کشور پاکستان مطابقت و موافقت دارد، در سراسر کشور ایجاد کنند. آنچه مادر تمام مشکلات در سینمای پاکستان است پول‌های کلان خارجی است که برای سینمای پاکستان خرج می‌کنند و تا سیاست‌های پیدا و پنهان‌شان را پشت این ولخرجی‌ها در جامعه پاکستان به عنوان این وسیله و ابزار در خورد جوانان پاکستانی بدهند. آثار منفی این گونه سینماها و بازیگران به خصوص بازیگران زن در سینمای پاکستان در جامعه ظاهر شده است و گه گاهی جوانان پاکستانی در کوچه و خیابان خود را به مدل‌های بازیگران در می‌آورند که نمونه آن در فیلم «برقع» مشهود است. چهره‌های بازیگران که با سبیل‌های کلفت و تاب داده و ریش‌های تراشیده و حتی چشم‌های قرمز که وقت آدم به این گونه قیافه‌ها نگاه می‌کنند، مسلماً تأثیر منفی می‌گیرند و اصالت جامعه و فرهنگ ملی - با پسوند اسلامی - را خدشه دار می‌کند. جامعه پاکستان عیناً همان قضاوتی را دارد که شهید آوینی^(ره) داشته است.

اگر یک سیاست‌مدار به بازی‌گری و هنرمندی بانوان توجه داشته باشد. موجب رشد و شکوفایی فرهنگ اسلامی نیز می‌گردد و در عرصه‌های مختلف دولت فرهنگ اسلامی بیشتر بروز و ظهور پیدا می‌کند به گونه‌ای که برای نهادینه شدن توجه این-گونه افراد که در رأس قدرت هستند را دارد.

البته آنچه واقعیت دارد در سینمای پاکستان این است که بعضی از سیاست‌مداران دلسوز هستند که می‌خواهند سینمای پاکستان با عنعنات و فرهنگ اصیل پاکستان کاملاً مطابقت داشته و به مُر قانون اسلامی عمل شود. ولی پشت پرده کسانی هم هستند که فقط به فکر مادیات و پول هستند که غالباً آنها در راس کار هستند و حتی در لایه‌های دولت هم نفوذ دارند. آنها کسانی هستند که به مقاصد شوم خود توجه دارند و نه شخصیت زن مسلمان و یا اسلامی کردن سینما را در پاکستان. در پاکستان فاصله زیادی وجود دارد که سینما و عرف در پاکستان مشترک باشند و تفاوتی نداشته باشد. باید گفت که نوشتن، پرداختن با رویکرد اسلامی در مورد سینمای پاکستان امر بسیار ضروری است و این رساله در حد خودش کمک می‌کند که جلوی فرهنگ غرب را بگیرد و یا سینمای پاکستان را به معیارها و ملاک‌های اصیل پاکستان دمساز نماید.

منابع:

قرآن شریف

- ۱- انگر مری، بی نظیر بوتو، نخست وزیر پاکستان و فعال سیاسی، ترجمه مهسا ملک مرزبان، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹ش.
- ۲- آوینی، مرتضی، آینه جادو (جلد سوم)، نشر ساقی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.
- ۳- گروه معارف و مبانی، مطالعات راهبردی زنان، فصل نامه علمی- پژوهشی شورای فرهنگی اجتماعی زنان سال سیزدهم، ۱۳۸۹ش، شماره ۴۹.
- ۴- مؤمنی صرافی، احمد، حکم فقهی بازی گری زن در فیلم و تئاتر، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزشی عالی فقه، ۱۳۹۳ش.
- ۵- ویلیام گو دوین، پاکستان، ترجمه فاطمه شاداب، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۳ش.
- ۶- هاشمی، سید محمد جواد، علامه اقبال لاهوری، بیدارگر شرق، نها نمایندگی مقام معظم رهبری، در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۲ش.